



سال اول، سری اول، شماره پنجم
سیزدهم شهریورماه هزار و سیصد و نود و نه، سوم سپتامبر ۲۰۲۰

چرا تحریم خرید شکر خارجی راه حل نیست - بهرنگ زندی

طبقه کارگر، جنبش مطالباتی، لیست حداقلی مطالبات - اسد گلچینی



با مسئولیت: اسد گلچینی و بهرنگ زندی

kaaaregar@gmail.com

سال اول، سری اول، شماره پنجم

سیزدهم شهریور هزار و سیصد و نود و نه، سوم
سپتامبر ۲۰۲۰



Painted by: Diego Rivera

چرا تحریم خرید شکر خارجی

راه حل نیست

به‌رنگ زندی

جمعی از کارگران هفت تپه با ارسال فراخوانی به کانال تلگرامی سندیکای نیشکر هفت تپه از عموم مردم خواسته‌اند که “قند و شکر وارداتی را بایکوت کنند”. اهداف بخشی از کارگران هفت تپه که این بیانیه را نوشته‌اند و در این فراخوان بر روی آن تاکید شده است می‌تواند برای پیشبرد مبارزات جاری کارگران در این مجتمع که سال‌هاست درگیر اعتصاب و مقاومت علیه کارفرمایان دولتی و خصوصی هستند مثمر ثمر باشد. تاکید بر روی اتحاد مردم با مطالبات کارگران اعتصابی و ضرورت متحدشدن از جمله اهداف درخشانی‌ست که در روزهای وانفسای فشار اقتصادی و عدم پرداخت حقوق‌ها یک راه حل عملی ویژه برای جنبش کارگری ایران است. هدف من در این مقاله نه پرداختن به این ضرورت (که بخشی از کارگران هفت تپه به درستی بر روی آن درست گذاشته‌اند) بلکه بررسی امکان عملی شدن چنین فراخوانی‌ست. آیا فراخوان بایکوت شکر و قند خارجی می‌تواند برای کارگران هفت تپه تاثیرگذار باشد؟ آیا این فراخوان می‌تواند همراهی آحاد جامعه را به خود بگیرد؟ چرا این سیاست نه پلای اتحاد با سایر هم‌طبقه‌ای‌ها بلکه مسیری برای پیشبرد سیاست تفرقه در طبقه کارگر است؟

این بار اولی نیست که در طول تاریخ سرمایه‌داری کمپین‌های بایکوت کالاها و فراخوان به مصرف‌کنندگان برای تحریم کالایی مشخص شکل گرفته است. تاریخچه دراز بایکوت کالاها با سیاهه طولانی شکست‌هایش، بخش جدایی‌ناپذیری از تاریخ است. از کمپین تحریم شکر تولیدشده توسط برده‌ها در قرن هجدهم در بریتانیا تا فراخوان تحریم استارباکس در همین اواخر به دلیل استثمار کارگران آمریکای لاتین در مزارع قهوه. از تحریم خرید کالاهای اسرائیلی، تا تحریم شرکت‌های هواپیمائی بزرگ در آمریکا. از تحریم کارخانه خودروسازی جنرال موتورز تا تحریم فروشگاه بزرگ وال مارت و این اواخر بحث تحریم شرکت آمازون که با سود میلیارد دلاری ضربه مهلکی بر پیکره کسب و کارهای کوچک و حتی فروشگاه‌های بزرگ وارد کرده است. فارغ از اینکه اهداف این دست از کمپین‌ها چه بوده که عموماً انگیزه‌های پشت این فراخوان‌ها متفاوت بوده، فراخوان برای نخریدن کالایی خاص با هر هدفی که داشته (چه خوب، چه بد) نتوانسته است موفقیت چندانی کسب کند. به همین دلیل در گام اول طرح پرسش و ابراز تردید در مورد اثرگذاری این فراخوان از طرف بخشی از کارگران هفت تپه می‌تواند سوال و فرضیه‌ای اساسی باشد که چرا ممکن است وجود اینچنین فراخوانی کم اثر یا بی اثر باشد.

اگر چه فراخوان‌های بایکوت در جغرافیایها و شرایط تاریخی متفاوتی و با اهدافی غیرهمسان روی داده‌اند، اما در یک زمینه مشترک بوده‌اند و آن هم عدم تاثیرگذاری در حتی کم‌ترین سطح فراخوان‌ها بوده است. دم دستی‌ترین پاسخ به این شکست و بررسی سطحی علل آن می‌تواند در جواب‌هایی چون، تبلیغات

ضعیف این نوع کمپین‌ها و عدم پشتیبانی رسانه‌های جریان اصلی از آن برای اطلاع‌رسانی وسیع، عدم حمایت آن‌ها و دیگر سازمان‌های مدنی از این نوع فراخوان‌ها و دست‌آورد هدف‌گذاری اشتباه در نقطه شروع این نوع فراخوان‌ها دست‌بندی کرد. پاسخ‌های ریشه‌ای‌تر برای عدم موفقیت کمپین‌هایی از این دست در تعارض قرار گرفتن حقوق و منافع مصرف‌کنندگان با اهداف فراخوان‌دهندگان است. در مورد فراخوان بخشی از کارگران هفت تپه این موضوع و در این برهه تاریخی به خصوص این پاسخ بیش‌تر صادق است. ترجیح مصرف‌کننده در ایران که بخش عظیم آن را طبقه کارگر و مزدبگیران جامعه تشکیل می‌دهند، خرید کالای ارزان است. اگر کالایی ارزان‌تر از شکر تولید هفت تپه در بازار هست، مصرف‌کننده ترجیح می‌دهد نیاز و توانش را برای خرید آن کالا در نظر بگیرد تا انگیزه‌های مشخص سیاسی و اجتماعی (حتی اگر آن انگیزه‌ها در مرفی‌ترین حالت خود باشند). فراتر از این تفاوت اصلی سرمایه‌داری با دهه‌های گذشته در این است که توانسته کالای ارزان تولید کند. تولید کالای ارزان مساوی است با هر چه پائین نگه داشتن هزینه تولید که بر اساس کارکرد و منطق درونی سرمایه با ارزان نگه داشتن نیروی کار میسر می‌شود. حتی در گذشته از طرف برخی از فعالان چپ در شهرهایی چون سیاتل و پورتلند فراخوان‌هایی برای تحریم کالاهای چینی به دلیل استثمار کارگران چینی در این کشور در پروسه تولید کالاهای ارزان صادر شد که فقط در سطح همان فراخوان باقی ماند و راه به جایی نبرد. چون خود کارگران آمریکائی که با میانگین ساعتی ۱۰ دلار کار می‌کردند، انتخاب و

توانی برای خریدی غیر از کالای ارزان چینی نداشتند. فراتر از همه این‌ها نباید انکار کرد که بخشی از بحران شرکت کشت و صنعت هفت تپه در سال‌های اخیر، واردات بی‌رویه شکر از کشورهای خارجی بوده است. وارداتی که منجر به پائین آمدن قیمت شکر در بازار و شکست انحصار تولید شکر شده و در عین حال فارغ از علل ریشه‌ای دیگر در این شرکت، منجر به بحران موجود شده است. بحرانی که هزینه آن را نه کارفرمای میلیاردر هفت تپه و دولت بلکه کارگران باید پرداخت کنند. و البته در بحران‌های سرمایه‌داری و واحدهای تولیدی این کارگران هستند که همیشه قربانی این بحران و پرداخت هزینه آن شده‌اند. تولید سالانه قند و شکر در ایران حدوداً یک و نیم میلیون تن در سال است که این میزان قبل از شروع تحریم‌ها حدود دو تن در سال بوده است. بخش مهمی از این تولیدات صادر می‌شود و همچنین ایران یکی از بزرگترین واردکنندگان شکر خام در خاورمیانه است، مسیری که اکثر کارخانه‌های قند و شکر در ایران که هم خصوصی هستند و هم دولتی و دچار بحرانی شبیه به هفت تپه نشدند، به دلیل پائین نگه داشتن هزینه تولید آن را ترجیح می‌دهند. سهم نیشکر هفت تپه از این حجم تولیدی قند و شکر در ایران فقط حدود ۱۸ هزار تن در سال است. به عبارتی سهم بیش‌تر مصرف شکر در سبد شکر وارداتی یا کارخانه‌های تولیدی شکری قرار دارند که به صورت خام آن را وارد می‌کنند. بنابراین فراخوان "قند و شکر وارداتی را بایکوت کنیم" از طرف عده‌ای از کارگران هفت تپه به این معناست که شکر وارداتی را که برای کارگران خرید آن امکان‌پذیر است را نخرند و شکر های

بسته‌بندی شده با آرم هفت تپه را خریداری کنند. این رفتار با گرفتار کردن کارگران در چارچوب بومی‌گرایی و ملی‌گرایی که قطعاً در تعارض با منافع مستقل‌شان قرار دارد می‌تواند به مانعی جدی برای اتحاد با هم‌طبقه‌ایهانشان قرار گیرد، چون در همان گام اول در تعارض با قدرت و توان میلیون‌ها کارگر در ایران برای خرید یک کالا پرمصرف قرار می‌گیرد و از طرف دیگر در کوتاه مدت می‌تواند میزان همبستگی سایر کارگران را با اعتصابات هفت تپه پائین بیاورد.

اما عدم توانایی خرید کالاهای گران قیمت‌تر توسط کارگران تنها دلیل عدم استقبال از چنین کمپین‌هایی نیست. کما اینکه در جاهایی که دستمزد کارگران بالا و به موقع پرداخت می‌شود و بهای محصولات تولید داخل نیز پائین است همچنان این فراخوان‌ها نتوانسته‌اند شرکت‌های تولیدی مورد هدف خود را متاثر کنند. نمونه آن دستمزد بین ۱۵ تا ۳۰ دلار در ایالت واشنگتن و وجود شرکت‌های کوچک و بزرگ محلی تولید و فروش قهوه با نرخ پائین‌تر از استارباکس است اما با وجود آگاهی بالای کارگران و استقبال‌شان از کمپین تحریم استارباکس، این شرکت کوچک‌ترین لطمه اقتصادی ندیده است. پس علت چیست؟ اگر دستمزد پائین کارگران و یا پائین آمدن تقاضا موجب ورشکستگی نمی‌شود؟ برای پاسخ باید نحوه تولید ارزش افزوده که شاهرگ حیات سرمایه‌داری است را بازخوانی کنیم. رُزاً لوکزامبورگ، تئوریسین و انقلابی آلمانی، انباشت سرمایه را دارای دو خصیصه می‌داند: بازار فروش و مکان تولید

ارزش اضافه (تولید داخلی یا خارجی). از نگاه او سرمایه‌داری برای بقاء خود هم باید هزینه تولید را کاهش دهد و هم بازار فروش را کنترل کند به طوری‌که همواره تقاضا را بیش‌تر از عرضه نگه دارد. از همین‌روی جاهایی که تولیدکننده ارزش اضافی و انباشت سرمایه هستند دیگر نقاط جهان را که مکان تولید محصول و صدور نیروی کار هستند را باید در فقر و ورشکستگی و عدم توسعه‌یافتگی سرمایه نگه دارند، درست همان سیاست عصر استعمار. از نگاه لوکزامبورگ این کشورهای توسعه‌نیافته اقتصادی هم کارگر ارزان را فراهم می‌آورند و هم بازار تولید اضافه یا بازار مصرفی. این استدلال تا اواخر قرن بیستم دستمایه تئوریک بسیاری از جریان‌های چپ برای تحلیل بحران‌های اقتصادی و فرمول‌بندی جنبش‌های ضدسرمایه‌داری بود. اما اتفاقی که بعد از دهه هشتاد میلادی و رشد اقتصاد بازار آزاد، پدید آمدن شرکت‌های غول‌آسای چندملیتی و ورود افسارگریخته تولیدات چین افتاد این تئوری را به شدت زیر سوال برد. با این تئوری کافی بود که جوامع به اصطلاح پیشاسرمایه‌داری تولیدات ملی را بالا برده و مرزهای ورودی کالاهای خارجی را به کشور می‌بستند و در واقع سیاست اقتصاد ملی و خودکفایی را دنبال می‌کردند. در اوایل قرن بیست‌ویکم و توسعه‌یافتگی بازار آزاد در عصر به اصطلاح نئولیبرالیسم این تئوری لوکزامبورگ به شدت مورد انتقاد صاحب‌نظران قرار گرفت. پدیده‌هایی که شبیه به آن در ایران هم اتفاق می‌افتد مانند واردات شکر خام به جای کشت آن و آسیب‌دیدگی کم‌تر در بحران‌های اقتصادی و حتی تحریم از موارد بسیاری بود که تئوری‌های لوکزامبورگ را نقض می‌کرد.

دیوید هاروی، جغرافیادان مارکسیست در سال ۲۰۰۳ توجهش به این تغییرات جهانی به خصوص در کشورهای جنوب جهان مثل خاورمیانه جلب شد و در نقد لوکزامبورگ به این نتیجه رسید که حیات سرمایه‌داری در گرو وجود رقابت در بازار است. او این تئوری‌اش را از کارل مارکس استخراج کرده بود و به درستی نشان می‌داد که نه تنها سرمایه‌داری جهانی علاقه‌ای به عقب‌نگه داشتن نیم دیگر جهان ندارد بلکه از سرمایه‌گذاری در کشورهای رو به توسعه حتی اگر تولید داخلی‌اش پائین بیاید استقبال می‌کند. زیرا در این رقابت است که یک کالا ارزش پیدا می‌کند. پیش‌تر کارل مارکس در گروندریسه توضیح داده بود که چگونه ارزش یک کالا نه در نیروی کار بلکه در مقدار تولید بر حسب زمان رقم می‌خورد. در واقع این چرخه تولید است که قلب سرمایه‌داری را با تولید ارزش اضافه‌اش به تپش می‌اندازد نه صرفاً هزینه تولید و یا بازار مصرف. به عقید هاروی در بحران‌هایی که تقاضا پائین می‌آید اضافه تولید کارخانه‌ها موجب شکست و ورشکستگی آن‌ها نمی‌شود بلکه این اضافه تولید در پروسه تولیدی دیگری خود را نشان می‌دهد. به طور مثال اضافه تولید پیراهن‌های مردانه به عنوان منشاء تولید شرکت‌های خدمات‌رسانی اجتماعی در آفریقا خرج می‌شود. یا مثلاً در مورد مورد نیشکر، اضافه تولید نیشکر در غرب آفریقا به عنوان ماده خام در کارخانه‌جات ایرانی قرار می‌گیرد. و وضعیت صنایع ماشین‌سازی هم از همین قوانین پیروی می‌کند. اشتباه هاروی این بود که همچنان گمان برد که اگر بازارهای مصرفی مورد حمله قرار بگیرند این چرخه واردات و صادرات مختل شده و سرمایه‌داری زمین می‌خورد. مغز کلام

مارکس در تئوریزه کردن نحوه تولید سود در سرمایه‌داری این است که چرخه تولید است که سرمایه را تولید می‌کند و این چرخه تولید یعنی کار اجتماعاً لازم در کسری از زمان. بدین ترتیب است که او دائماً بر قدرت اعتصاب تأکید دارد، یعنی از کار انداختن این چرخه و علم دارد که اگر دستمزد و مزایای کارگر هرچند هم افزایش یابد و یا تقاضا هرچه قدر هم پائین بیاید، بحران‌های سرمایه‌داری کمر سرمایه‌داری را نمی‌شکند و تنها کارگران هستند که در چنین زمان‌هایی لطمات جان‌گاهی را متحمل می‌شوند. حال آنکه تنها چند ساعت اعتصاب و ایستادن چرخه تولید بورژوازی را به شدت متزلزل و متحمل خسارت می‌کند.

از آنجایی که تولید ارزش افزوده یعنی حیات سرمایه‌داری در کار اجتماعاً لازم است، اعصاب و از کار انداختن چرخه تولید مادامی که ارزش اجتماعی آن تولید را نشکند یعنی به زبان ساده‌تر اعتصابات کارگری به دیگر جنبش‌های مدنی گره نخورد، موفقیتی درازمدت کسب نمی‌شود. به همین دلیل انگیزه بخشی از کارگران هفت تپه در این بیانیه برای حمایت سایر جنبش‌های اجتماعی و آحاد مردم از فراخوان‌شان بسیار ریشه‌ای‌ست، اما این فراخوان زمانی می‌تواند عمیقاً تأثیرگذار باشد که اعمال قدرت کارگران هفت تپه و تحمیل اتوریته‌شان به کارفرما و دولت به سازوکار هر مرکز تولید سرمایه‌ای تولید شود که ارزش کار کارگران را می‌رباید، دستمزدشان را نمی‌دهد، بیکارشان می‌کند و کنترل سرنوشت‌شان را در دست نگه داشته است. به این چرخه معیوب قطعاً نمی‌توان با فراخوان برای تحریم شکر خارجی پایان داد.

طبقه کارگر، جنبش مطالباتی، لیست

حداقلی مطالبات

اسد گلچینی

آنچه در یک ماه گذشته در پی اعتراض و اعتصابات کارگران به شرایط و وضعیت دستمزدها در مراکز کارگری زیادی در نفت، گاز و پتروشیمی‌ها اتفاق افتاد نمونه برجسته و مهمی از خیز جنبش کارگری برای تبدیل حرکات اعتراضی و مجزای خود به یک جنبش مطالباتی بود.

این کارگران دارای مطالبه مشترک و با وضعیت مشابهی بودند، شرایط موجود را مورد تعرض قرار دادند و حول مطالبات حداقلی خود به اقدام مشترک دست زدند. این نمونه برجسته‌ای از حرکت برای تبدیل اعتراض کارگران به جنبش است. جنبش مطالباتی کارگران در این یک زمینه بدون تردید توانست موجب هوشیاری و بیداری طبقاتی بیشتری در طبقه کارگر بشود و این حرکت را هزاران هزار کارگر و مردم زحمتکش متعلق به خود دانستند. طبقه کارگر این بار در ابعادی وسیع، سازمان‌یافته و دارای لیست مطالباتی مشترک به حرکت درآمد.

ابعاد خبره نقل از گزارش روزنامه‌نگاران مستقل ایران چنین است: "کارگران پیمانکاری و پروژه‌ای صنایع نفت و گاز کشور از جمله پایپینگ جوشکار، فیتز، فورمن و مونتاژ کار، اخیراً با تشکیل کمپین اعتراضی، اعتصابات سراسری برای افزایش دستمزد را کلید زدند.

این کمپین‌ها در پنج مرحله زمانی شروط خود را از جمله دستمزدهای پیشنهادی کارگران، پرداخت به موقع مزد کارگران، نصب کولر و کاهش افراد در سرویس‌های ایاب و ذهاب، بهبود بهداشت کمپ‌ها و حمام کارگران و... را به پیمانکاران اعلام کرده‌اند. فعالین کارگری در ابتدا با انتشار یک لیست از مشاغل مربوط به صنفتشان، حقوق پیشنهادی خود را بسته به هر شغل تعیین کرده‌اند و پس از انتشار آن بین کارگران به این توافق رسیده‌اند که تنها در صورتی پیشنهاد کاری پیمانکاران را می‌پذیرند که با حقوق درخواستی آنها موافقت شده باشد. تاکنون کارگران برخی پیمانکاری‌ها در نیروگاه بیدخون، پتروپالایش کنگان، پالایشگاه لامرد، پالایشگاه اصفهان، نیروگاه سیکل ترکیبی مپنا بویلر مشهد، نیروگاه سیکل ترکیبی تبریز، پالایشگاه جفیر در اهواز، فولاد سنگان پیمانکاری، پتروشیمی سبلان، نیروگاه برق رودشور تهران، پالایشگاه ماهشهر، شرکت آسفالت طوس دشت آزادگان، پالایشگاه نفت سنگین قشم، نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی، فازهای ۲۲ و ۲۴ و ۱۴ پارس جنوبی و چندین مرکز دیگر دست از کار کشیده‌اند" (مشروح این خبر را می‌توانید در گزارش تکمیلی بخوانید)

حرکتی این چنینی بر متن نارضایتی عمومی و شرایط تحمیلی بر کارگران اعتصابات کارگران در مراکز مختلف ممکن شد. در کنار این حرکت بزرگ ما شاهد ادامه اعتراض و اعتصاب کارگران هفت تپه هستیم، کارگران هپکو در اعتراض و اعتصاب بودند که بعد از توافق به کار برگشتند. همه اینها بر این حرکت مهم موثر بودند. این مبارزه به نوبه خود بیان بسیار روشنی از نیازمندی یک

طبقه کارگر، جنبش مطالباتی، لیست

حداقلی مطالبات

اسد گلچینی

آنچه در یک ماه گذشته در پی اعتراض و اعتصابات کارگران به شرایط و وضعیت دستمزدها در مراکز کارگری زیادی در نفت، گاز و پتروشیمی‌ها اتفاق افتاد نمونه برجسته و مهمی از خیز جنبش کارگری برای تبدیل حرکات اعتراضی و مجزای خود به یک جنبش مطالباتی بود.

این کارگران دارای مطالبه مشترک و با وضعیت مشابهی بودند، شرایط موجود را مورد تعرض قرار دادند و حول مطالبات حداقلی خود به اقدام مشترک دست زدند. این نمونه برجسته‌ای از حرکت برای تبدیل اعتراض کارگران به جنبش است. جنبش مطالباتی کارگران در این یک زمینه بدون تردید توانست موجب هوشیاری و بیداری طبقاتی بیشتری در طبقه کارگر بشود و این حرکت را هزاران هزار کارگر و مردم زحمتکش متعلق به خود دانستند. طبقه کارگر این بار در ابعادی وسیع، سازمان‌یافته و دارای لیست مطالباتی مشترک به حرکت درآمد.

ابعاد خبره نقل از گزارش روزنامه‌نگاران مستقل ایران چنین است: "کارگران پیمانکاری و پروژه‌ای صنایع نفت و گاز کشور از جمله پایپینگ جوشکار، فیتز، فورمن و مونتاژ کار، اخیراً با تشکیل کمپین اعتراضی، اعتصابات سراسری برای افزایش دستمزد را کلید زدند.

این کمپین‌ها در پنج مرحله زمانی شروط خود را از جمله دستمزدهای پیشنهادی کارگران، پرداخت به موقع مزد کارگران، نصب کولر و کاهش افراد در سرویس‌های ایاب و ذهاب، بهبود بهداشت کمپ‌ها و حمام کارگران و... را به پیمانکاران اعلام کرده‌اند. فعالین کارگری در ابتدا با انتشار یک لیست از مشاغل مربوط به صنفتشان، حقوق پیشنهادی خود را بسته به هر شغل تعیین کرده‌اند و پس از انتشار آن بین کارگران به این توافق رسیده‌اند که تنها در صورتی پیشنهاد کاری پیمانکاران را می‌پذیرند که با حقوق درخواستی آنها موافقت شده باشد. تاکنون کارگران برخی پیمانکاری‌ها در نیروگاه بیدخون، پتروپالایش کنگان، پالایشگاه لامرد، پالایشگاه اصفهان، نیروگاه سیکل ترکیبی مپنا بویلر مشهد، نیروگاه سیکل ترکیبی تبریز، پالایشگاه جفیر در اهواز، فولاد سنگان پیمانکاری، پتروشیمی سبلان، نیروگاه برق رودشور تهران، پالایشگاه ماهشهر، شرکت آسفالت طوس دشت آزادگان، پالایشگاه نفت سنگین قشم، نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی، فازهای ۲۲ و ۲۴ و ۱۴ پارس جنوبی و چندین مرکز دیگر دست از کار کشیده‌اند" (مشروح این خبر را می‌توانید در گزارش تکمیلی بخوانید)

حرکتی این چنینی بر متن نارضایتی عمومی و شرایط تحمیلی بر کارگران اعتصابات کارگران در مراکز مختلف ممکن شد. در کنار این حرکت بزرگ ما شاهد ادامه اعتراض و اعتصاب کارگران هفت تپه هستیم، کارگران هپکو در اعتراض و اعتصاب بودند که بعد از توافق به کار برگشتند. همه اینها بر این حرکت مهم موثر بودند. این مبارزه به نوبه خود بیان بسیار روشنی از نیازمندی یک

یک همچنین جنبش مطالباتی است که می‌تواند برای همه و در بسیاری رشته‌ها آموزنده و تکرار شود. راه تبدیل اعتراضات کارگری به یک جنبش در یک رشته یا منطقه و سطح سراسری و یا در شرایطهای کاری مشابه و ... را همین اعتصابات کارگران استخدامی به وسیله شرکت‌های پیمانکاری در نفت، گاز و پتروشیمی‌ها نشان داد.

لیست مطالباتی حداقلی

کارگران اعتصابی در نفت و گاز راه حل لیست حداقلی مطالبات را به درست انتخاب کردند. توافق بر چنین لیستی که مطالبات مشترک و پایه ای و متحد کننده است در تلاش برای یک مقابله واقعی بر مبنای توازن قوایی که کل طبقه کارگر در برابر دولت و کل بورژوازی دارد ممکن می‌شود. گرفتن حقوق‌ها به موقع، پرداخت حقوق‌های مقوقه، افزایش دستمزدها به نسبت تورم افسار گسیخته و همچنین دیگر مزایای انجام کار را این لیست تشکیل داد. در کشمکش شدید بین کارگران و کارفرماها تمرکز بر چنین لیستی برای اعتراض و اعتصاب، امکان تحقق مطالبات را بیشتر می‌کند. طبقه کارگر به عنوان طبقه، و نه کارگران در بخش و مراکز جداگانه، در دوره اخیر شاید برای اولین بار است که اینگونه در بعدی عمومی و یا سراسری‌تر با لیست مطالبات حداقلی خود گلوی کارفرماها و دولت را می‌فشارد. این هم یک تحول مهم در بکارگیری روش و سبک متناسب در سازماندهی اعتراض و مسیر روشن به سرانجام رساندن آن در جنبش کارگری در ایران است. همین تجربه اخیر نشان داد که لیست حداقلی مطالبات کارگران به شدت قدرت متحدکننده دارد و در هر محدوده‌ای و در سطح

هر چه سراسری‌تر هم قادر به متحد کردن کارگران است. این راهنمایی مهمی در مبارزات سطح شهری برای کارگران در رشته‌های مختلف در مرکز کار و بین کارگران شاغل و یا حتی در سطح زنان و مردان بیکار هم هست.

با توجه به وضعیت و شرایطی که بورژوازی و دولتش بر طبقه کارگر تحمیل کرده و بخش عمده کارگران ایران به کارگران قرار دادی و محروم شده از کمترین مزایا حتی برای زندگی بخور و نمیر هم هستند، مطالبات مشترک و وجود لیست متحد کننده مطالبات حداقلی، برای برون رفت از این شرایط نقش متحول کننده‌ای در جنبش کارگری دارد. مبارزات اخیر و جاری کارگران در شرکت‌های پیمانکاری در نفت و گاز و پتروشیمی‌ها این راه را به روشنی نشان داد.

معنی حمایت کارگران از هم

اعتصابات اخیر در چنین ابعادی و با لیست مطالبات حداقلی در کارگران شرکت‌های پیمانی در تعدادی از شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی‌ها، معنی حمایت کردن از همدیگر را به سطح واقعی خود رساند. ما بر این عادت کرده بودیم که با بیانیه و اطلاعیه از همدیگر حمایت کنیم. بسیاری از هواداران طبقه کارگر شاید راه حل و امکان و توان دیگری غیر از این ندارند. کارگران این مراکز در حین اینکه خود بر متن شرایط اعتراضی و اعتصابات کارگری در دیگر بخشها، دست به مبارزه‌ای همه جانبه زدند، در عین حال مهمترین اقدام برای حمایت از یکدیگر و کارگران اعتصابی همچون اعتصاب کارگران هفت تپه را نشان دادند. توقف تولید نقطه قدرت طبقه کارگر است و کارگران با آماده کردن خود و

تلاش‌های بسیار فعالین و رهبران آنها به چنین نقطه ای می‌رسند و از همه امکانات داده شده در سطح اجتماعی و ارتباطات هم استفاده می‌کنند.

در شماره قبلی کارگر تأکید کردیم که جنبش کارگری برای تبدیل شدن به نیرویی برای خود، نیازمند متکی شدن به جنبش مطالباتی، جنبش مجمع عمومی و جنبش کمیته‌های کمونیستی است. جدال طبقه کارگر در مقابل دولت و کل کارفرماها و سرمایه داران در ایران در اتکا به جنبش منسجم و سازمان‌یافته در هر قدم و مرحله‌ای، کارگران را نه به عنوان احاد و دسته‌های مجزا در کنار دیگر حرکات اعتراضی، بلکه به عنوان یک طبقه و یک جنبش با قطب نمای رهبری جامعه، در جنبش جارو کردن حاکمیت نکبت جمهوری اسلامی و نظم سرمایه‌ای داری‌اش خواهد یافت.

در جدال اعتصابات نفت و گاز

گزارشی از ۲۹ روز اعتصاب August 30, 2020

کانال روزنامه‌نگاران مستقل ایران

کارگران پیمانکاری و پروژه‌های صنایع نفت و گاز کشور از جمله پایپینگ جوشکار، فیتز، فورمن و مونتاز کار، اخیراً با تشکیل کمپین اعتراضی، اعتصابات سراسری برای افزایش دستمزد را کلید زدند. این کمپین‌ها در پنج مرحله زمانی شروط خود را از جمله دستمزدهای پیشنهادی کارگران، پرداخت به موقع مزد کارگران، نصب کولر و کاهش افراد در سرویس‌های ایاب و ذهاب، بهبود بهداشت کمپ‌ها و حمام کارگران و... را به پیمانکاران اعلام کرده‌اند. فعالین کارگری در ابتدا با انتشار یک

لیست از مشاغل مربوط به صنفشان، حقوق پیشنهادی خود را بسته به هر شغل تعیین کرده‌اند و پس از انتشار آن بین کارگران به این توافق رسیده‌اند که تنها در صورتی پیشنهاد کاری پیمانکاران را می‌پذیرند که با حقوق درخواستی آنها موافقت شده باشد. تاکنون کارگران برخی پیمانکاری‌ها در نیروگاه بیدخون، پتروپالایش کنگان، پالایشگاه لامرد، پالایشگاه اصفهان، نیروگاه سیکل ترکیبی مپنا بویلر مشهد، نیروگاه سیکل ترکیبی تبریز، پالایشگاه جفیر در اهواز، فولاد سنگان پیمانکاری، پتروشیمی سبلان، نیروگاه برق رودشور تهران، پالایشگاه ماهشهر، شرکت آسفالت طوس دشت آزادگان، پالایشگاه نفت سنگین قشم، نیروگاه سیکل ترکیبی پارس جنوبی، فازهای ۲۲ و ۲۴ و ۱۴ پارس جنوبی و چندین مرکز دیگر دست از کار کشیده‌اند.

از دیگر فعالیت‌های این کمپین تهیه لیستی بیش از هزار نفر از نام و کد ملی کارگران اعتصابی است که حمایت خود را از شرایط و مطالبات کمپین اعلام کرده‌اند و همچنین اعلام اسامی پیمانکارانی که کارگران اعتصابی را تحت فشار قرار داده‌اند.

با توجه به وجود جو امنیتی در محل کار این کارگران و همچنین پراکندگی جغرافیای محل کار و زندگی فضای مجازی امکانات مناسبی را برای هماهنگی و تولد فعالیت کارگری و صنفی متشکل فراهم کرده است.

برخی پیمانکاری‌ها از جمله شرکت کیسون در پتروشیمی دنا، شرکت تهران جنوب پالایشگاه بیدبلند ماهشهر و... با عدم پرداخت دستمزد خرداد و تیرماه کارگران سعی کردند آنها را تحت فشار قرار دهند. برخی پیمانکارها توانسته بودند با استفاده از خیل

امضا نمی‌کنند، مگر اینکه پیمانکاران شرایط کمپین افزایش دستمزد را بپذیرند. این استراتژی بعد از ۲۹ روز اعتصاب کارگران نفت تا حدی موفقیت‌هایی داشته است. شنیده‌ها حاکی از آن است که برخی پیمانکاران از جمله تعدادی از شرکت‌های پیمانکاری پتروشیمی سبلان، برخی پیمانکاران میدان نفتی آذر در شهرستان مهران ایلام و ... شرایط دستمزد کمپین کارگران پایپینگ و پروژه‌های را پذیرفته‌اند و برخی دیگر از جمله پالایشگاه آبادان حاضر به افزایش دستمزدها شده اما همچنان کمتر از مبلغ اعلام شده توسط کمپین است.



**شما می‌توانید نظرات و مطالب خود را به آدرس
الکتریکی kaaaregar@gmail.com ارسال کنید..
قابل توجه رفقای که از ایران خواهان همکاری و
همراهی با این نشریه هستند لازم است تاکید کنیم
که در صورت ارسال مقاله و یا هر نوشته ای، رعایت
امنیت خود و رفقایان را در نظر داشته باشید و لطفاً
از اسامی مستعار استفاده کنید..**

جمعیت بیکار بخشی از اعتصابات را دچار مشکل کنند اما با آگاهی بخشی و تلاش برخی کارگران جمعیتی از آنها به اعتصاب پیوستند اما همچنان مسئله اعتصاب‌شکن‌ها حتی در بین کارگران مجرب وجود دارد و آنها به طور مداوم با این مسئله مواجه هستند. البته گفتنی است کارگران اعتصابی اغلب کارگران ماهر و فنی به حساب می‌آیند که به سادگی قابل جابجایی با هر کارگری نیستند. مهارت لازم در جوشکاری و درجه جوشی که زده می‌شود مستلزم گواهینامه‌های معتبر است. استفاده از جوشکاران غیرماهر خود هزینه‌های تعمیراتی بر دست پیمانکاران گذاشته و به آنها خسارت وارد کرده است. این است که حدوداً بعد از دو هفته تماس با کارگران معترض برای عقد قرارداد و مذاکره بیشتر شد.

از سوی دیگر از ابتدای اعتصاب پیمانکاران با عدم پرداخت طلب مزدی سعی کردند، شرایط اعتصاب را بر کارگران سخت کنند اما پروژه‌های نفت تجربه ۶ ماه معوقات مزدی را هم داشته‌اند و بسیاری از آنها مصمم به ادامه اعتصاب هستند.

خیلی از کارگران جوشکاری و فیلتر و... که از شهرستان‌های دیگر برای کار آمده بودند، با شروع اعتصاب به علت بسته شدن درهای خوابگاه‌ها و قطع جیره غذایی روزانه مجبور به بازگشت به خانه شدند و عملاً تجمعات نفتی فقط در روزهای اول وجود داشته است. این بخشی از تلاش پیمانکاران برای شکستن اعتصاب و جلوگیری از تجمعات بوده است. ضمناً تهدیدات امنیتی بر سر برخی کارگران از جمله آنهایی که مسئولیت گروه‌های تلگرامی و هماهنگی‌ها را دارند، سنگینی می‌کند.

اما کارگران اعلام کرده‌اند که در خانه می‌مانند و قرارداد جدیدی